مقایسه سرشت و منش و حواس‌پرتی در دانش‌آموزان ناشنوا و عادی

معصومه شفیعی[۱]، سجاد بشرپور[۲]، شیرین احمدی[۳]، حدیث حیدری راد[۴]

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۹ پذیرش نهایی: ۹۶/۳/۲۱

چکیده

هدف از پژوهش حاضر مقایسه سرشت و منش و حواس‌پرتی در دانش‌آموزان ناشنوا و عادی بود. روش این پژوهش علی- مقایسه‌ای بود. جامعهٔ آماری شامل تمامی دانش‌آموزان ناشنوا و عادی مشغول به تحصیل در نیمهٔ اول سال ۱۳۹۵ در شهرستان گیلان‌غرب بود. به دلیل محدود بودن حجم جامعه تمامی افراد ناشنوا به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و ۲۰ دانش‌آموز عادی نیز با توجه به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی سن و جنسیت با گروه ناشنوا همتا شده و به عنوان گروه مقایسه در این پژوهش شرکت کردند. داده‌ها با استفاده از مقیاس سرشت و منش و مقیاس کنترل توجه جمع‌آوری و با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد میانگین نمرات افراد ناشنوا در متغیرهای حواس‌پرتی (F=۷/۰۵؛ P<۰/۰۱) و در مؤلفه‌های اجتناب از آسیب (F=۳۷/۷۱؛ P<۰/۰۰۱) و نوجویی (F=۵/۰۱؛ P<۰/۰۵) بالاتر اما در مؤلفه‌های خودراهبری (F=۹/۲۶؛ P<۰/۰۰۱) و همکاری (F=۱۸/۹۷؛ P<۰/۰۰۱) به طور معنی‌داری پایین‌تر از افراد عادی است. این نتایج آشکار می‌کند که کودکان ناشنوا حواسپرتی بالاتری نسبت به گروه عادی دارند و ویژگی‌های سرشتی آنها نیز متفاوت از افراد عادی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: سرشت و منش، حواس‌پرتی، ناشنوا، دانش‌آموز

مقدمه

مطالعه درباره کودکان ناشنوا[5] به عنوان کودکان استثنایی، مطالعه درباره تفاوت‌هاست. آن چه مهم است این است که چنین کودکانی استعدادهایی دارند که ترکیبی از توانایی ها و ناتوانی های ویژه است و همین بستر را برای مطالعه و مقایسه و پژوهش آماده می‌سازد (هالاهان و کافمن،[6] ۱۹۴۴؛ ترجمه جوادیان، ۱۳۹۰).

[۱]. دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه لرستان
[۲]. دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی
[۳]. کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی
[۴]. (نویسنده مسئول) کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی hadeesheidarirad@gmail.com

[5]. deaf
[6]. Halahan& kafman

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.18869/acadpub.erj.3.33.61]

ناشنوایی یک مشکل شایع جهانی است که به شدت کیفیت زندگی فرد را تهدید می‌کند (یوچن، چاوهی، لیوینگ، شانگ و بینهو[1]، ۲۰۱۱). ناشنوایی، منجر به کاهش عملکرد و باعث تأخیر رشد در مهارت‌های زندگی روزمره و اجتماعی می‌شود (پاپادوپولوس، میتسیو و اگالیوتس[2]، ۲۰۱۱). کودکان ناشنوا در مقایسه با کودکان عادی، در معرض خطر بیشتری قرار دارند (کوام، لوئب و تمبس[3]، ۲۰۰۷). کاهش شنوایی در کودکان معمولاً سبب افت عملکرد چشمگیری در آنها می‌گردد (بیطرفان، عفت پناه، رادفر و رادفر، ۱۳۹۳). سازگاری اجتماعی و شخصیتی افراد شنوا عمدتاً به مهارت‌های ارتباطی و تعامل با اعضای خانواده و دیگران بستگی دارد، همین قاعده در مورد افراد ناشنوا هم صادق است (امینی، افروز، شریفی و هومن، ۱۳۹۲). نتایج پژوهش‌های مختلف مهارت‌های اجتماعی ضعیف، روابط اجتماعی مشکل‌دار، خودپنداره ضعیف، ناهنجاریهای رفتاری و عاطفی، مشکلات تحصیلی و غیره را در کودکان و نوجوانان ناشنوا نشان داده‌اند (فوجیکی و برینتون[4]، ۲۰۰۹). نتایج مطالعات (امینی و همکاران، ۱۳۹۲) نشان می‌دهند که در کودکان ناشنوا در مقایسه با کودکان عادی نشانه‌های بیشتری از وابستگی، حمایت و همدلی، اضطراب، پرخاشگری، افسردگی، تکانشگری و سازش نایافتگی مشاهده می‌شود.

به نظر می‌رسد افراد ناشنوا از نظر سرشت و منش با کودکان عادی تفاوت معناداری داشته باشند. سرشت به واکنش‌های رفتاری خودکاری چون بازداری[5]، فعال سازی و تداوم رفتار در پاسخ به محرک‌های محیطی خاص نظیر خطر، تازگی و پاداش گفته می‌شود. چهار صفت سرشتی مطرح شده توسط کلونینجر که شامل: نوجویی[6]، آسیب پرهیزی[7]، پاداش وابستگی[8] و پشتکار[9] می‌باشد؛ در طول زندگی نسبتاً ثابت بوده و در بین فرهنگ‌های متفاوت یکسان هستند. سرشت به عنوان یک سازه کلی به دامنه گسترده‌ای از صفات رفتاری که ریشه زیستی دارد، اشاره می‌کند (یازدخاستی و هاریزوکا، ۲۰۰۶). سرشت یک ویژگی ذاتی است که در افراد مختلف از لحاظ هیجان و ویژگی حرکتی و خود تنظیمی و توجه متفاوت است، و به طور متوسط با سازگاری دوره‌های بعدی

[1].Yuchen, Chaohe, Lioing, Shang & binhu
[2].Papadopoulos, Metsiou & Agaliotis
[3].Kvam, Loeb &Tambs
[4].Fojiki& Brinton
[5].Bihaviorl Inhibitability system (BIS)
[6]. Novelty Seeking
[7].Harm Avoidance
[8].Reward Dependence
[9].Persistence

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.18869/acadpub.erj.3.33.61]

رابطه دارد (حشمتی، یزدخواستی و مولوی، ۱۳۹۱). در مقابل، منش به تفاوت‌های فردی در فرایندهای عالی شناختی گفته می‌شود. این فرایندها عبارتند از تفکر منطقی، ترکیب فرضی یا صوری، تفسیر نمادی و ابتکار. سه بعد منش که شامل: خودراهبری[1]، همکاری و خودفراروی[2] که در طول زمان رشد می‌یابند و کارآمدی شخصی و اجتماعی تا دوره بزرگسالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. منش به خود پنداره‌ها و تفاوت‌های فردی در اهداف و ارزش‌ها اطلاق می‌گردد که بر انتخاب، تمایلات و معنای آن چه که در زندگی فرد تجربه می‌شود تأثیر می-گذارد. تفاوت‌ها در منش به طور متوسط تحت تأثیر یادگیری اجتماعی فرهنگی قرار دارند. از نظر کلونینجر هر یک از این جنبه‌های شخصیت با یکدیگر در تعامل هستند و بر ایجاد اختلالات رفتاری و هیجانی تأثیر می-گذارند، همچنین بر ایجاد سازگاری با تجارب زندگی نقش دارند (کلونینجر و سوآرکیک[3]، ۱۹۹۲). تحقیقاتی که تاکنون در ارتباط با سرشت کودکان انجام شده، بر سرشت به عنوان یک ویژگی اصلی تمرکز دارند، زیرا آن را پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای مشکلات رفتاری کودکان می‌دانند (یازدخاستی و هاریزوکا[4]، ۲۰۰۶). رتیو، استنجر، مک کا، دویلی و هادزیکا[5] (۲۰۰۶) نشان دادند که سرشت کودکان پیش‌بینی کننده سطوح بالایی از مشکلات درونی و توجه در کودکان است. کودکانی که در جستجوی تازگی هستند، مشکلات توجه بیشتری را نشان می-دهند. همچنین، کودکانی که سطح بالایی از اجتناب را دارند، بیشتر با مشکلات درونی مانند اختلال اضطراب و افسردگی مواجه هستند. یاقین و لی[6] (۲۰۰۷)، با مطالعه‌ای بر روی کودکان ناشنوا به این نتیجه رسیدند که مشکلات مربوط به سرشت و منش کودکان ناشنوا به طور معناداری بالاتر از کودکان عادی است یعنی حواس پرتی بالا، و آستانه تحمل و سازگاری پایین‌تر و خلق و خوی بدبین و مشکلات رفتاری بیشتری داشتند. پریور، باوین، سینی، ایدی[7] (۲۰۱۱) نشان دادند کودکان ناشنوا نسبت به کودکان عادی خلق و خوی دشوارتری دارند و مشکلات رفتاری بیشتری گزارش می‌کنند. باتن و اواکس[8] (۲۰۱۳) نشان دادند که کودکان ناشنوا در مقایسه با کودکان شنوا در مهارت‌های اجتماعی مشکلات بیشتری دارند.

---

[1].Self-directive ness
[2].Self-Transcendence
[3].Cloninger & Svrakic
[4].Yazdkhasti & Harizuka
[5].Rettew, stanger, Mckee, Doyle & Hudziak
[6].Ya-qin & Li
[7].Prior, Bavin, Cini & Eadie
[8].Batten & Oakes

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.18869/acadpub.erj.3.33.61]

انمیر، اولسن، لارسون و فریجد[1] (۲۰۱۱) در بررسی‌های خود نشان دادند کودکانی که از سمعک استفاده می‌کنند در مقایسه با کودکانی که کاشت حلزون دارند به طور قابل توجهی مشکلات بیشتری در مشارکت و همکاری دارند. یگیر و داهر[2](۲۰۱۳) نشان دادند کودکانی که اختلال شنوایی دارند همکاری و مشارکت محدودی دارند.

به نظر می‌رسد یکی از مشکلاتی که کودکان با اختلال شنوایی با آن مواجه هستند، عامل حواس‌پرتی[3] است. حواس‌پرتی یک پدیده روانی است که عوارض متعددی به دنبال دارد. باعث افت در عملکردهای حرفه‌ای و تحصیلی، افزایش احتمال بروز اختلالات روانی نظیر اضطراب و افسردگی، ناامیدی، احساس تنهایی و بی‌هدفی در زندگی می‌شود (سوونسون و وایل، [4]۲۰۰۸).

این پدیده که عمدتاً با فقدان توجه و تمرکز مشخص می‌شود به عنوان یک حالت تنفر یا ناسازگاری با هر نوع تجربه‌ی تکراری مثل کار روزانه یا برخورد با افراد کسل کننده و ملال‌آور و بیقراری زیاد در شرایطی که رهایی از ثبات (یکنواختی) امکان پذیر نیست، تعریف می‌شود (وات و وودانوویچ،[5] ۱۹۹۹). دی و هازر[6] (۲۰۱۴) در بررسی‌های خود نشان دادند که کودکان ناشنوا از بی توجهی بالا، حواس‌پرتی و رفتار تکانشی رنج می‌برند. دیزا و سیلور[7] (۲۰۱۳) در مطالعات، مسیر رشد در سه جنبه از توجه آشکار (هوشیارانه، تطبیقی و مدیریت کنترل توجه) را در یک گروه از بچه‌های ناشنوا مورد آزمون قرار دادند، نتایج آنها یک الگوی خاص را نشان داد تأثیرات محرومیت مخاطبان از شنوایی نتایج متفاوتی نسبت به توجه را نشان داد، در ابتدا محرومیت مخاطبان از شنوایی می‌تواند رشد هشیارانه را مختل کند، در دومین مرحله محرومیت مخاطبان از شنوایی می‌تواند دو عملیات ابتدایی از تطبیق را که شامل انگیزش و شرکت کردن می‌باشد، را افزایش دهد، در سومین مرحله، کنترل اجرایی یک گذرگاه رشدی را که نه افزایش و نه کاهش یافت بلکه مشابه کودکان شنوا بود را نشان داد. هژور[8] (۲۰۱۴) افراد عادی و ناشنوا را در رابطه با توجه پایدار در یک دوره‌ی چند جلسه‌ای و یک آزمون حواس‌پرتی را نسبت به توانایی نادیده گرفتن اطلاعات نامربوط را بررسی کرد، نتایج مطالعه او نشان داد که افراد عادی و ناشنوا تفاوتی

1. Anmyr, Olsson, Larson & Freijd
2. Yeger & Daher
3. distraction
4. Swanson & Wigal
5. Watt & Vodanovich
6. Dye & Hauser
7. Daza& Silver
8. Hasuer

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.erj.3.33.61]

نسبت به اندازه توجه پایدار با هم نداشتند، اما توجه افراد ناشنوا بیشتر به وسیله‌ی اطلاعات نامربوط منحرف شد. دی و همکاران (۲۰۱۴) میزان توجه مستمر و حواس‌پرتی و توانایی چشم پوشی از اطلاعات بی‌ربط را در دو گروه از کودکان عادی و ناشنوا مورد ارزیابی و کنترل قرار دادند و توجه انتخابی شناختی از طریق تجزیه و تحلیل خطاهای کلی کودکان شنوا و ناشنوا اندازه‌گیری شد؛ نتایج نشان داد کودکان ناشنوا در توجه مستمر تفاوت معناداری با کودکان عادی داشتند.

با توجه به اینکه دانش‌آموزان با اختلال شنوایی در مقایسه با دانش‌آموزان عادی از امکانات کمتری جهت رشد و ترقی برخوردارند و اجتماع نیز با توجه به انگاره‌های موجود محدودیت بیشتری را برای آنها قائل می‌شود. از طرف دیگر آموزش‌های مدرسه‌ای این دو گروه نیز چه از لحاظ محتوا و چه از لحاظ غنای آموزش با هم تفاوت داشته و به نفع دانش‌آموزان بدون اختلال شنوایی می‌باشد که آموزش غنی بر سرشت و منش و بالا بردن کنترل توجه تأثیرگذار است. که این عوامل ضعف عملکرد دانش آموزان ناشنوا را توجیه می‌کند، بنابراین ضرورت دارد این متغیرها دقیق‌تر بررسی شود تا به نتایج مهمی برای آگاهی والدین و مربیان در راستای مسائل تربیتی و آموزشی و برنامه‌ریزی جهت بهبود آموزشی دانش‌آموزان با آسیب شنوایی منجر شود. بنابراین پژوهش حاضر با هدف مقایسه سرشت و منش و حواس‌پرتی در دانش‌آموزان ناشنوا و عادی انجام گرفت.

روش

روش پژوهش حاضر علّی- مقایسه‌ای بود. کلیه دانش آموزان ثبت نام شده در مدرسه استثنایی اداره کل آموزش و پرورش شهرستان گیلان‌غرب (در این شهرستان فقط یک مدرسه برای کودکان استثنایی وجود دارد) در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ جامعه آماری گروه ناشنوایان را تشکیل دادند (n=۲۰). به دلیل محدود بودن حجم جامعه، کل جامعه مورد مطالعه قرار گرفت و تعداد۲۰ نفر نیز از بین دانش آموزان عادی به عنوان گروه مقایسه انتخاب شدند و از نظر ویژگی‌های جمعیت شناختی سن، جنسیت (بر حسب گزارشات موجود در پرونده) با گروه ناشنوا همتا شدند.

روند اجرای پژوهش حاضر بدین صورت بود که بعد از اخذ مجوز از اداره آموزش و پرورش شهرستان گیلان-غرب، به مدرسه بصیرت در این شهر مراجعه و لیست تمامی دانش آموزان آن مرکز در اختیار قرار گرفت. این مدرسه دارای ۲۰ دانش‌آموز ناشنوا بود که کل آن‌ها به عنوان نمونه آماری و ۲۰ نفر نیز از بین افراد عادی که

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.erj.3.33.61]

جامعه آن را دانش آموزان تشکیل می‌دادند به روش همتا سازی به عنوان گروه مقایسه انتخاب شدند و در این پژوهش شرکت کردند. در مرحلهٔ بعد آزمودنی‌های دو گروه به پرسش‌نامه‌های اطلاعات جمعیت‌شناختی (جنس، سن، سطح تحصیلات، میزان درآمد خانواده)، کنترل توجه و سرشت و منش که از نوع پرسش‌نامه‌های خودگزارشی بودند، در محل کلاس‌ها و به صورت انفرادی و با حضور پژوهشگر پاسخ دادند. داشتن نقص کامل شنوایی، داشتن هوش متوسط ملاک‌های ورود در دانش‌آموزان ناشنوا و داشتن سلامتی کامل ملاک‌های ورود در دانش‌آموزان عادی بود. داشتن هر نوع معلولیت یا بیماری طبی دیگر، عقب ماندگی ذهنی و عدم انگیزه برای مشارکت در مطالعه نیز ملاک‌های خروج آزمودنی‌ها از مطالعه بود. در این پژوهش، تمام آزمودنی‌ها برای شرکت در پژوهش آزادی کامل داشته و قبل از تکمیل پرسش‌نامه رعایت ملاحظات اخلاقی و اهداف پژوهش به آن‌ها از طریق معلم مدرسه و مشاور مدرسه توضیح داده شد و به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات جمع‌آوری شده به صورت گروهی تحلیل خواهد شد. داده‌های جمع‌آوری شده نیز با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

الف) پرسش‌نامه سرشت و منش کلونینجر (TCI)[1]: پرسشنامه سرشت و منش توسط (کلونینجر و شوارکیک، ۱۹۹۴) ساخته شده است. این آزمون ۱۲۵ گویه دارد و آزمودنی به صورت صحیح و غلط پاسخ می-دهد. این پرسشنامه شامل ۴ بعد سرشت نوجویی، آسیب پرهیزی، پاداش وابستگی و پشتکار و ۳ بعد منش خودراهبری، همکاری، و خود فراروی است. در پژوهش آلون سو، منچون، جیمینز، سگالس، ماتیکس و کولس[2]، (۲۰۰۸) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه بالای ۰/۶۸ به دست آمده است. پرسشنامه مذکور که توسط کاویانی و پورناصح (۱۳۸۴) در ایران هنجاریابی شده، دارای پایایی و روایی مناسب برای استفاده در پژوهش‌ها است. کاویانی ضرایب پایایی باز آزمایی هر یک از خرده مقیاس‌های این آزمون را به شرح زیر گزارش کرد: نوجویی ۰/۸۶، آسیب پرهیزی ۰/۸۸، پاداش وابستگی ۰/۷۳، پشتکار ۰/۷۹، همکاری ۰/۸۶، خودراهبری ۰/۹۰ و خودفراروی ۰/۸۶است. نتایج حاصل از روایی آزمون نیز گویای روایی خوب آزمون، بین طیف ۰/۶۶ تا ۰/۹۰ برای خرده مقیاس‌ها است.

[1]. Cloninger Temperament Character Inventory
[2]. Alonso, Menchon, Jimenez, Segalas & Mataix-Cols

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.18869/acadpub.erj.3.33.61]

ب) مقیاس کنترل توجه (ACS)[1]: مقیاس کنترل توجه یک آزمون خودگزارشی است که توسط (دیریبری و رید[2]، ۲۰۰۲) ساخته شده و مشتمل بر۲۰ سؤال می‌باشد که هر سؤال در مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۴ (همیشه) درجه‌بندی می‌شود. این آزمون میزان کنترل توجهی افراد را در دو خرده مقیاس تمرکز توجه، تغییر توجه، بین تکالیف و یک نمره کلی اندازه می‌گیرد (دیریبری و رید ،۲۰۰۲). نمره های پایین در این مقیاس با دشواری زیاد در رها شدن از محرک‌های تهدید زا در افراد اضطرابی همراه می‌باشد. این آزمون همبستگی مثبتی با برخی از جنبه‌های هیجان پذیری مثبت از جمله برون‌گرایی (r=۰/۴۰) و همبستگی منفی با برخی از جنبه‌های هیجان‌پذیری منفی از جمله اضطراب صفت (r=-۰/۵۳) داشته است و پایایی ثبات درونی خوبی دارد (آلفای کرونباخ مساوی ۰/۸۸) (دیریبری و رید، ۲۰۰۲) ضریب همسانی درونی این آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در مطالعه فرگوس، بادن و آورکات[3] (۲۰۱۲) ۰/۸۶ برای کل مقیاس گزارش شده است. این آزمون برای اولین بار توسط بشرپور (۱۳۹۲) به فارسی برگردانده و بعد به روش ترجمه معکوس که توسط یک دکتری زبان انگلیسی انجام گرفت از محفوظ ماندن مفاهیم آن اطمینان حاصل شد، نسخه‌ی فارسی این آزمون پس از تأیید روایی صوری و پایایی آن توسط (بشرپور، عطادخت و سلیمانی، ۱۳۹۲) به روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ برای خرده مقیاس تمرکز توجه، ۰/۸۲ برای خرده مقیاس تغییر توجه و برای کل مقیاس نیز ۰/۸۸ به دست آمد.

یافته‌ها

تعداد ۲۰ نفر دانش‌آموز ناشنوا (۱۱ پسر و ۹ دختر) با میانگین سنی ۱۴/۳۵ و انحراف استاندارد ۱/۰۷ و ۲۰ نفر دانش‌آموز عادی (۱۱ پسر و ۹ دختر) با میانگین سنی ۱۴/۳۵ و انحراف استاندارد ۱/۰۷ در این پژوهش شرکت داشتند. گروه افراد ناشنوا دارای تحصیلات اول راهنمایی تا سوم راهنمایی بودند، اما افراد عادی اول راهنمایی تا اول دبیرستان بودند.

قبل از اجرای آزمون تحلیل واریانس چند متغیری پیش‌فرض‌های آن آزمون شد. نتایج آزمون ام باکس برابر است با ۳۵/۸۵ است که این مقدار (p=۰/۰۸) در سطح (p=۰/۰۵) معنی‌دار نیست. همچنین جهت بررسی

[1]. Attentional Control Scale
[2]. Derryberry & Reed
[3]. Fergus, Bardeen & Orcutt

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.18869/acadpub.erj.3.33.61]

همسانی واریانس‌ها بین متغیرهای وابسته از آزمون لوین استفاده شد و نتایج نشان داد که سطح آماره (f) برای هیچ یک از متغیرها معنی‌دار نیست (p ≥۰/۰۵). بر اساس نتایج پیش فرض همگنی واریانس‌های خطا در حواس‌پرتی (f=۵/۱۶؛ p>۰/۰۵)، همکاری (f=۰/۰۵۵؛ p>۰/۰۵) اجتناب از آسیب (f=۳/۲۸۲؛ p>۰/۰۵)، وابستگی به پاداش (f=۰/۸۳؛ p>۰/۰۵)، پافشاری (f=۰/۰۷۲؛p>۰/۰۵)، نوجویی (f=۰/۰۱۳؛ p>۰/۰۵)، خودراهبری (f=۰/۰۲۱؛ p>۰/۰۵)، خودبرتری (f=۲/۸۶؛ p>۰/۰۵)، در دو گروه تأیید شد، بنابراین تحلیل انجام شد و نتایج آن حکایت از تفاوت معنادار داشت. و این نشان دهنده آن است که واریانس خطای این متغیرها در بین آزمودنی‌ها متفاوت نیست و واریانس‌ها باهم برابرند.

جدول ۱: نتایج آزمون‌های تحلیل واریانس چند متغیری مانوا برای تأثیرات گروهی

نام آزمون	مقدار	F	df فرضی	خطای df	P	مجذور اتا
اثر پیلایی	۰/۶۸	۸/۴۲	۸	۳۱	۰/۰۰۱	۰/۶۸
لامبدای ویلکز	۰/۳۱	۸/۴۲	۸	۳۱	۰/۰۰۱	۰/۶۸
اثر هوتلینگ	۲/۱۷	۸/۴۲	۸	۳۱	۰/۰۰۱	۰/۶۸
بزرگ‌ترین ریشه روی	۲/۱۷	۸/۴۲	۸	۳۱	۰/۰۰۱	۰/۶۸

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که تفاوت بین ۲ گروه به مقدار ۳۱ درصد معنادار است، یعنی ۳۱ درصد واریانس یا تفاوت بین دو گروه مربوط به تأثیرات سرشت و منش و حواس پرتی است.

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که افراد ناشنوا در حواس‌پرتی (p<۰/۰۱؛ f=۷/۰۵) و در مؤلفه‌های اجتناب از آسیب (p<۰/۰۰۱؛ f=۳۷/۷۱)، و نوجویی (p<۰/۰۵؛ f=۵/۰۱)، به طور معناداری بالاتر، اما در مؤلفه‌های همکاری (p<۰/۰۰۱؛ f=۱۸/۹۷)، و خودراهبری (p<۰/۰۰۱؛ f=۹/۲۶)، پایین‌تر از افراد عادی است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.erj.3.33.61]

جدول۲: میانگین و انحراف معیار آزمودنی‌ها در متغیرهای سرشت و منش و حواس‌پرتی، و نتایج آزمون مانوا برای مقایسه معنی‌داری تفاوت بین آن‌ها

متغیرها		گروهها	میانگین	انحراف معیار	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	اندازه اثر
سرشت و منش	حواس‌پرتی	ناشنوا	۱۸/۰۵	۵/۸۱	۱۹۸/۰۲	۱	۱۹۸/۰۲	۷/۰۵	۰/۰۱	۰/۱۶
		عادی	۱۳/۵	۴/۷۳						
	همکاری	ناشنوا	۲۷/۷۵	۵/۹۳	۶۴۰	۱	۶۴۰	۱۸/۹۷	۰/۰۰۱	۰/۳۳
		عادی	۳۵/۷۵	۵/۶۷						
	اجتناب از آسیب	ناشنوا	۲۶/۷۵	۶/۰۶	۷۹۰/۳۲	۱	۷۹۰/۳۲	۳۷/۷۱	۰/۰۰۱	۰/۴۹
		عادی	۱۷/۸۶	۲/۲۵						
	وابستگی به پاداش	ناشنوا	۱۸/۸	۳/۵۴	۵۰/۶۲	۱	۵۰/۶۲	۲/۴۷	۰/۲۱	۰/۰۶
		عادی	۲۱/۰۵	۵/۳۲						
	پافشاری	ناشنوا	۲۱/۴۵	۵/۱۷	۷۰/۲۲	۱	۷۰/۲۲	۲/۳۱	۰/۱۳	۰/۰۵
		عادی	۲۴/۱	۵/۸۴						
	نوجویی	ناشنوا	۲۳/۲۵	۵/۰۱	۱۲۸/۰۳	۱	۱۲۸/۰۳	۵/۰۱	۰/۰۳	۰/۱۲
		عادی	۱۹/۷	۵/۰۱						
	خودراهبری	ناشنوا	۱۹/۹۵	۶/۰۱	۲۶۵/۲۲	۱	۲۶۵/۲۲	۹/۲۶	۰/۰۰۴	۰/۱۹
		عادی	۲۵/۱	۴/۶۱						
	خودبرتری	ناشنوا	۲۲/۶	۳/۸۷	۰/۰۲۵	۱	۰/۰۲۵	۰/۰۰۱	۰/۹۷	۰۰۰
		عادی	۲۲/۵۵	۵/۳۱						

بحث و نتیجه‌گیری

دشواری های شناختی رفتاری از جمله مشکلات کودکان دارای مشکلات شنوایی است. و موضوع توجه یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین عوامل مؤثر در آموزش و یادگیری افراد عادی و ناشنواست، و به عبارت دیگر یکی از فراوان‌ترین مشکلات در میان افراد، که موجب کاهش کارایی آنان می‌گردد، فقدان توجه است. با توجه به اهمیت این امر، پژوهش حاضر با هدف مقایسه سرشت و منش (همکاری، اجتناب از آسیب، وابستگی به پاداش، نوجویی، خودراهبری، خودبرتری) و حواس پرتی در دانش‌آموزان ناشنوا با عادی انجام گرفت.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.erj.3.33.61]

فرضیه اول پژوهش حاضر این بود که دانش‌آموزان ناشنوا از نظر مؤلفه‌های سرشت و منش با دانش‌آموزان عادی تفاوت دارند، نتایج آزمون مانوا نشان داد که از بین زیر مؤلفه‌های سرشت و منش، اجتناب از آسیب و نوجویی در افراد ناشنوا به طور معنی‌داری بالاتر از افراد عادی بود، اما در همکاری و خودراهبری افراد ناشنوا به طور معنی‌داری پایین‌تر از افراد عادی بودند. این نتایج با نتایج یازدخاستی و همکاران (۲۰۰۶)، رتیو و همکاران (۲۰۰۶)، یاقین و همکاران (۲۰۰۷)، انمیر و همکاران (۲۰۱۱)، و باتن و همکاران (۲۰۱۳) که در مطالعه خود نشان دادند کودکان ناشنوا در مهارت‌های اجتماعی مشکلات بیشتری نسبت به کودکان عادی دارند همخوان است. همچنین با پژوهش یگیر و همکاران (۲۰۱۳) مبنی بر اینکه کودکان ناشنوا در مقایسه با کودکان عادی همکاری و مشارکت محدودی دارند همخوان است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت رشد اجتماعی در جمعیت شنوا، شدیداً به سطح ارتباط آن‌ها وابسته است. این موضوع در مورد ناشنوایان نیز صادق است؛ نقص شنوایی مشکلات ارتباطی به همراه می‌آورد و این مشکلات ارتباطی به مشکلات اجتماعی و رفتاری دامن می‌زند. بنابراین مشکلات عاطفی و اجتماعی مانند اختلال در برقراری رابطه با دیگران، اضطراب و رفتارهای نامناسب به دلیل نداشتن اعتماد به نفس کافی، ترس از عدم پذیرش از طرف دیگران، عدم مشارکت در فعالیت‌های کلاسی و ناپختگی اجتماعی، باعث خلق و خوی دشوار در دانش آموزان ناشنوا می‌شود. همچنین در تبیین دیگر با در نظر گرفتن عوامل تربیتی و محیطی می‌توان گفت والدینی که همواره به جای فرزندشان تصمیم می‌گیرند و فرصت عمل آزادانه را از آن‌ها سلب می‌کنند، موجب می‌شوند کودکان، افرادی گوشه‌گیر، خجول، متکی و فاقد اعتماد به نفس بار آیند. چنین پیامدهای تربیتی زمانی تقویت می‌شوند که همراه با نوعی معلولیت باشد که در فرهنگ ما واکنش‌های ترحم‌آمیز را بر می‌انگیزد و نه تنها بیشتر کارهای یک معلول از لحاظ شنوایی از طرف خانواده انجام می‌گیرد، بلکه در جامعه نیز چنین برخوردهایی دیده می‌شود. در نتیجه به متکی بارآمدن و غیر اجتماعی بودن فرد ناشنوا منجر می‌گردد. و این غیر اجتماعی بودن موجب معلولیت در همکاری با همسالان می‌گردد.

فرضیه دوم پژوهش حاضر این بود که حواس‌پرتی در دانش‌آموزان ناشنوا بالاتر از دانش‌آموزان عادی است، نتایج آزمون مانوا نشان داد که حواس‌پرتی در افراد ناشنوا به طور معنی‌داری بالاتر از افراد عادی است. به این معنا که حواس آنها به میزان بیشتری نسبت به گروه عادی توسط محرک‌های نامربوط پرت می‌شود. این نتایج همسو با

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.erj.3.33.61]

نتایج کاسپی و همکاران (۱۹۹۵)، دیزا و همکاران (۲۰۱۳)، هژور (۲۰۱۴)، امینی و همکاران (۱۳۹۲) و دی و همکاران (۲۰۱۴) مبنی بر اینکه کودکان ناشنوا در توجه مستمر تفاوت معناداری با کودکان عادی دارند و با یافته‌های سوونسون و همکاران (۲۰۰۸) مبنی بر اینکه حواس‌پرتی باعث افت عملکردهای حرفه‌ای و تحصیلی و افزایش احتمال بروز اختلالات روانی نظیر اضطراب، افسردگی، و احساس تنهایی و بی‌هدفی در زندگی می‌شود همخوان می‌باشد.

بنابراین در تبیین این یافته می‌توان گفت کودکانی که از نقص شنوایی رنج می‌برند، نمی‌توانند جریان مداوم و تکراری تبادلات زبانی در اطراف خود را بشنوند، و نمی‌توانند مثل کودکان شنوا، در سال‌های اول زندگی، تعداد زیادی از محرک‌های زبانی موجود در محیط را تجربه کنند در نتیجه حواس این کودکان بیشتر به وسیله محرکات نامربوط پرت می‌شود. در تبیین دیگر می‌توان گفت دانش‌آموز ناشنوا در دوران یادگیری مهارت ها، از برقراری ارتباط با محیط عاجز است و قادر به فهم کامل توضیحات اطرافیان و مربیان نیست و نمی‌تواند نیازهای خود را بیان کند، که همین امر موجب بروز یک سری اختلالات عاطفی هیجانی می‌شود که در صورت تداوم، بر حافظه و تمرکز حواس و فعالیت‌های فکری او اثر می‌گذارد. در این صورت دانش‌آموز ناشنوا به دلیل حواس‌پرتی نمی‌تواند تکالیف مدرسه را در حدی که مورد رضایت اولیای مدرسه باشد انجام دهد و باعث شکست و سرخوردگی او در زمینه‌های تحصیلی و اجتماعی می‌گردد.

در حال حاضر با پیشرفت علوم پزشکی، توانبخشی و تکنولوژی روش‌های جدیدی برای کاهش محدودیت کودکان ناشنوا ابداع شده است. جراحی (کاشت حلزون)، استفاده از سمعک های قوی و مدرن و به کارگیری شیوه‌های ارتباطی مبتنی بر استفاده موثر از باقی‌مانده شنوایی همراه با پرورش سایر حواس توسط کارشناسان توانبخشی در این مسیر بسیار موثر می‌باشد (هالاهان و کافمن، ۱۹۴۴؛ ترجمه جوادیان، ۱۳۹۰).

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، اجتناب از آسیب، نوجویی و حواس‌پرتی در افراد ناشنوا بالاتر از افراد عادی بود، اما در متغیر همکاری و خودراهبری افراد ناشنوا پایین‌تر از افراد عادی بودند. اما نکته‌ی مهم این است که تفاوت بین دانش‌آموزان ناشنوا و شنوا، خصوصاً همکاری و خودراهبری در پژوهش حاضر را نباید صرفاً حمل بر ناشنوایی آنان نمود، بلکه باید به عواملی از قبیل شیوه‌های فرزندپروری والدین، نگرش اطرافیان نسبت به ناشنوایی و بازخورد فرد ناشنوا نسبت به ناشنوایی خود نسبت داد. همچنین فقر محرکات محیطی و کمبود

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.erj.3.33.61]

امکانات آموزشی را بایستی به عنوان علل زمینه‌ساز در نظر گرفت که، باعث ضعف عملکرد، حواس پرتی و یا خلق وخوی دشوار در دانش‌آموزان ناشنوا در مقایسه با دانش‌آموزان عادی می‌شود. بنابراین آموزش والدین در مورد یادگیری مؤثرترین شیوه‌ها برای برقراری تعامل با فرزندان و تسهیل رشد آنها، همچنین آموزش آن‌ها جهت کاهش استرس خانواده و افزایش پذیرش کودک توصیه می‌شود. آموزش مهارت‌های اجتماعی، آموزش مربیان، همسویی و هماهنگی فعالیت‌های انجام شده در خانه و مدرسه، جهت اصلاح رفتاری دانش آموزان ناشنوا مؤثر خواهد بود.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر، ناتوانی در کنترل برخی متغیرهای مزاحم چون نوع ناشنوایی (اکتسابی، مادرزادی) و استفاده از ابزار خودگزارش‌دهی و مقایسه نکردن انواع ناشنوایی و محدود بودن حجم نمونه بود. انجام تحقیقات مشابه در سایر گروه‌های کودکان استثنایی نظیر کودکان نابینا، تیزهوش و غیره و مقایسه آنها با کودکان عادی، بررسی سرشت و منش و حواس‌پرتی در گروه‌های سنی، جنسی و تحصیلی متفاوت به منظور افزایش بعد تعمیم پذیری نتایج از جمله پیشنهاداتی است که برای تحقیقات آتی داده می‌شود.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از همکاری‌های مشفقانه ریاست آموزش و پرورش، مدیر، مشاور و معلم مدرسه بصیرت شهرستان گیلان‌غرب که در اجرا و انجام پژوهش ما را یاری نمودند و کلیهٔ دانش‌آموزان ناشنوا و عادی شرکت کننده در پژوهش کمال تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

امینی، داریوش؛ افروز، غلامعلی؛ شریفی درآمدی، پرویز؛ هومن، حیدرعلی (۱۳۹۲). شناخت اختلالات و مشکلات هیجانی کودکان ناشنوا با استفاده از تست نقاشی خانه–درخت–آدم وتست آدم در مقایسه با کودکان عادی استان همدان. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدامت بهداشتی درمان همدان، سال ۲۰، شماره ۱، صفحات ۵۸–۴۹.

بشرپور، سجاد (۱۳۹۴). صفات شخصیت (نظریه و آزمون). تهران: انتشارات ساوالان.

بشرپور، سجاد؛ عطادخت، اکبر؛ سلیمانی، اسماعیل؛ عیسی زادگان، علی (۱۳۹۲). مقایسه میزان کنترل توجه و حواس-پرتی در دانش آموزان با و بدون ناتوانی های یادگیری. مجله افراد استثنائی، سال ۳، شماره ۱۲، صفحات ۲۱–۱.

بیطرفان، سعید؛ عفت پناه، محمد؛ رادفر، میترا؛ رادفر، شکوفه (۱۳۹۳). بررسی مقایسه ای رفتار انطباقی در کودکان ناشنوا و کودکان با شنوایی طبیعی ۱۲ تا ۳۶ ماه. *مجله علمی پژوهشی پژوهان*، سال ۱۲، شماره ۳، صفحات ۷–۱.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.erj.3.33.61]

حشمتی، اعظم؛ یزدخواستی، فریبا؛ مولوی، حسین (۱۳۹۱). تعیین رابطه بین سرشت و درک پذیرش و طرد پدر با رفتار پرخاشگرانه دو گروه دانش آموزان شنوا وناشنوا در شهر اصفهان. مجله پژوهش های علوم شناختی و رفتاری، سال ۱، شماره ۱، صفحات ۴۲-۲۷.

کاویانی، حسین؛ پورناصح، مهرانگیز (۱۳۸۴). اعتباریابی و هنجارسنجی پرسش‌نامه سرشت و منش کلونینجر در جمعیت ایرانی. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران. سال ۶۳، شماره ۲، صفحات ۸۹-۸۹.

هالاهان، دانیل پی؛ کافمن، جیمز ام (۱۹۴۴) . کودکان استثنایی. ترجمه جوادیان، مجتبی (۱۳۹۰). مشهد: انتشارات به نشر.

Alonso, P., Menchon, J.M., Jimenez, S., Segalas, J., Mataix-Cols, D., Jaurrieta, N., et al. (2008). Personality dimensions in obsessive-compulsive disorder: Relation to clinical variables, Journal of Psychiatry Research, 157(1-3), 68-159.

Anmyr, L., Olsson, M., Larson, K., & Freijd, A. (2011). Children with hearing impairment—living with cochlear implants or hearing aids. Internationa Journal of Pediatric Otorhinolaryngology, 75(6), 844–849.

Batten, C., & Oakes, P. M. (2013). Factors Associated With Social Interactions Between Deaf Children and Their Hearing Peers: A Systematic Literature Review. Journal of Deaf Studies and Deaf Education, 14(3), 285-302.

Caspi, A., Henry, B., McGee, R.O., Moffitt, T, e., Sliva, P, A. (1995). Temperamental origins of child and adolescent behavior problems: from age three to age fifteen. Child Development, 66(1), 55-68.

Cloninger, C.R., Svrakic, D.M. (1994). Diffrentiating normal and deviant Personality by the seven factor Personality model. In Struck, S. Lorr. New York; Springer (Eds), M. publishing Co, 12(1), 3-18.

Cloninger, C.R., Svrakic, D.M. (1992). Personality dimensions as conceptualframework for explaining variations in normal, neurotic andpersonality disordered behavior. In Handbook of Anxiety, Vol 5. Edited by Burrows GD, Noyes R, Roth M. Netherlands. Elsevier, 79-104.

Daza, M.T., Silver, J.P. (2013). Develapment of attention networks in deaf children, support for the integrative hypothesis. Research in Developmental Disabilities, 34(9), 3661-2668.

Dey, W.G., Hauser, P.T.(2014). Sustained attention, selective attention and cognitive control in deaf and hearing children. Hearing Research, 309 (3), 94-109.

Derryberry, D., Reed, M. A. (2002). Anxiety-related attentional biases and their regulation by attentional control. Journal of AbnormalPsychology, 111 (2), 225-236.

Fergus, T. A., Bardeen, J. R., Orcutt, H. K. (2012). Attentional control moderates the relationship between activation of the cognitive attentional syndrome and symptoms of psychopathology. Personality and Individual Differences, 53 (3), 213-217.

Fojiki, M., Brinton, B. (2009). Social skills of children with specific language impairment. Brigham Young University, Provo, U, T.

Hasuer, P.C., Dye, M.W. (2014). Sustained attention, selective attention and cognitive control in deaf and hearing children. Hearing Research, 309 (2), 94-102.

Kvam, M.H., Loeb, M., Tambs, K. (2007). Mental healthin deaf adults: symptoms of anxiety anddepression among hearing and deafindividuals. Journal of Deaf Studies and Deaf Education. 12 (1), 1-7.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.erj.3.33.61]

Papadopoulos, K., Metsiou, K., Agaliotis, I. (2011). Adaptive behavior of children and adolescents with visual impairments. Research in Developmental Disabilities, 32 (3), 1086-1096.

Prior, M., Bavin, E., Cini, E., Eadie, P. (2011). Relationships between language impairment, temperament, behavioural adjustment and maternal factors in a community sample of preschool children. Journal of Language Communication Disorders, 46(4), 489–494.

Rettew, D. C., stanger. C., Mckee. L., Doyle. A., Hudziak. J. J. (2006). Inrtactions between child and parent temperament and child behavior problems. comprehensive psychiatry, 47 (5), 412-42.

Swanson, J., Wigal, T. (2008). Self-perceptions of competence in children with ADHD and comparison children. Journal of Consulting and Clinical Psychology, 72(5), 382-391.

Watt, D.J., Vodanovich, S.J. (1999). Boredom proneness and psychological development. Journal of Psychology, 133(3), 303-14.

Yazdkhasti, F., Harizuka, S. (2006). The effects of temperament and perceived maternal rejection and childhood anxiety and behavior problems. School Psychology International, 27 (1), 105-128.

Ya-qin, X., Li, X. (2007). Characters of temperament and behavior of hearing loss children. Journal of Child Health Care, 25 (1), 112-151.

Yeger, E.B., Daher, SH.H. (2013). Comparing participation in out of school activities between children with visual impairments, children with hearing impairments and typical peers. Research in Developmental Disabilities, 34 (10), 3124–3132.

Yuchen, M., Tudi, J., Chaohe, H., Lioing, S., Shang, D., binhu, H., huaz, H. (2011). Gebetic Mutations in non syndromic deafness Patients of Uyghur and Han Chinese Ethnicities in Xinjiang China: A Comparativiue study Journal Of Translationnal Medicin, 9, 154.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.erj.3.33.61]

The Comparison of Temperament, Character, and Distraction between Deaf and Normal Students

Masumeh Shafiei[۱], Sajjad Basharpoor[۲], Shirin Ahmadi[۳], Hadees Heidarirad[٤]

Abstract

The main purpose of present study was to comparing of temperament character and distraction between the deaf and normal students. This research was a causal-comparative study. The statistical population consisted of all students studying deaf and normal in the second half of 2014, the city was Gilan- Gharb (20=N). Due to the limited deaf students' population size, all the deaf student population and 20 normal students are chosen. The demographic characteristics of age and sex matched groups of the deaf students and as a comparison group in the study is given. Data collection is done with Temperament Character Inventory (TCI) and Attention Control Scale (ACS), and analyzed by variance analysis (MANOVA). The results show that the mean scores for the deaf students in distraction variables (P<0.0; F=7.05) and the components to avoid damage (P<0.00; F=37.71) and innovation (P<0.05; F=5.01) higher, but in self-directed components (P<0.00; F=9.26) and cooperation (P<0.00; 18.97) were significantly lower than normal subjects. These results reveal that distraction of deaf children is higher than its value in normal students, they also have properties different from ordinary people is the nature.

Keywords: Temperament and Character; Distraction; Deaf Student

[1]. Ph.D student in Psychology, University of Lorestan, Khoram Abad, Iran
[2]. Associate Professor Psychology, University of Mohaghegh Ardebili, Ardabil, Iran
[3]. M.A in Psychology, University of Mohaghegh Ardebili, Ardabil, Iran
[4]. (Corresponding Author) M.A in Psychology, University of Mohaghegh Ardebili, Ardabil, Iran.
hadeesheidarirad@gmail.com

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.erj.3.33.61]